

صدوسی انداز فارسی در موسیقی

(۶)

محمدتقی دانش‌پژوه

پس از برشمردن کتابها و رساله‌های فارسی موسیقی از دو کتاب دیگر یاد میکنم که در تدوین تاریخ موسیقی ایرانی بسیار سودمند است :

۱ - رفیق توفیق یا آداب علیه : از محمدعلی قزوینی که در آداب اجتماعی و اخلاقی و حکمت علمی در زمان شاه سلیمان صفوی بسال ۱۱۰۴ (حرف ۲ ، ادب ۲۴ ، قسم ۱ در اسباب مسرات نفسانی ، در آداب علما و فضلا) در شهر اصفهان از روی اخلاق ناصری و جلالی و محسنی و طهارت‌الاعراق مشکویۀ رازی و اخبار شیعی و کتابهای حکایات ساخته است . از محاسن اصفهان هم در آن آمده است ، از غلیان و قهوه و افیون هم در آن یاد شده است ، بسیار شیوا و منشیانه بنگارش در آمده است .

در آن ضمن عبارتها بروش تضمین و براعت و استهلال از اصطلاحات : شکار ، سیاق و استیفاء ، حساب ، موسیقی در دوجا ، ضرب موسیقی ، بزم باده ناب ، دفتر و سیاق ، نزاع و صلح و آلات جدال و جنگ ، خادمان بیوت ، طب ، نجوم ، سلطنت ، فلسفه و علم ، شعر ، بزم و ندیمی ، غناء آمده است و اصطلاح موسیقی آن بسیار سودمند است . پس از دیباچه در آن :
يك اتصال است در باب تهذيب اخلاق و تنزيه اعمال ، سپس :
حرف اول در اوضاع خادم و رسوم اصناف بنده و غلام در چهار باب :

۱ - خدمت ندما و دانشمندان و مورخان ،

۲ - خدمت مدبران ادویه و معاجین و اطباء و مدبران اغذیه و ناظران و کارخانه‌داران بیوتات و صاحب جمعان .

۳ - خدمت مالی و مادی بدستکاری :
تاجیکیه و ارباب قلم .
ترکان و اصحاب شمشیر .

۳ - خدمت : وزیر در بیست و چهار رسم ، سپهسالار و سردار سپاه ، صاحب جمعان و ناظر بیوتات ، دبیر و منشی ، طبیب ، منجم .

حرف ثانی در اوصاف مخدوم در بیست و چهار ادب، ادب بیست و چهارم آن در کسب مسرت و خوشحالی است در دو قسم :

۱ - اسباب مسرات نفسانی :

آداب علماء و فضلاء با اصطلاحات علمی .
آداب شعراء و ظرفاء به نثر و نظم .

۲ - اسباب مسرات جسمانی :

آداب ندماء .

آداب ارباب غناء با اصطلاحات موسیقی و شرح آنها زیرسطور و هامش درشش برگ در نسخه .

تتمه در معاش و مسلک هر يك از بنی نوع انسان با رفقاء و مصاحبان و آشنایان و جدا کردن آداب مخدوم از رسومات خادم بنام «لباب» در چند لب .

نسخه‌ها :

۱ - آقای احمد آرام، مورخ ۱۱۰۴ (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۷۹۱).

۲ - مجلس ش ۵۷۵ مورخ ۱۱۱۳ (۲ : ۳۳۷).

۳ - ملك ش ۱۶۲ مورخ ۱۲۲۳ .

۴ و ۵ - دانشگاه ش ۲۵۸۵ مورخ ۱۲۷۹ و ش ۱۴۵۰ در سده ۱۲ .

۶ - ملی ش ۱۷۲۸/۶۷۸ .

(فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۱۰۷ - نشریه ۱ : ۲۲۱) .

۷ - نسخه‌ای پاکیزه به خط نستعلیق سده ۱۲ با عنوان در متن و هامش و نشان به شنگرف،

باحواشی و ترجمه عبارات عربی زیرسطور به شنگرف، آغاز و انجام افتاده، ربعی .

۲ - بدایع الوقایع : از زین الدین محمود بن عبدالجلیل واصفی هروی شاعر موسیقی دان

که در آغاز سده دهم ساخته است . سفرنامه او است و آنچه در خراسان تا ورارود درهرات و بخارا

وسمرقند و تاشکند دیده است در آن آورده است . او دشمن صفویان است و از گزند آنان به دربار

عبیدالله خان شیبانی (۹۱۸ - ۹۴۶) و کوچکونجی خان (۹۱۶ - ۹۳۷) پناه برده بوده است .

(ذریعه ۹ : ۱۲۴۹ - فرهنگ سخنوران ۶۳۹) .

متن فارسی آن در دو جلد در مسکو سال ۱۹۶۱ چاپ شده است . در دیباچه روسی آن

از سی و یک نسخه که در شهرهای لنینگراد و تاشکند و تاجیکستان هست یاد شده است . نسخه‌ای هم

در کتابخانه عارف حکمت در شهر مدینه بشماره ۵۰۱ در ۲۵۰ برگ هست (نشریه ۵ : ۴۷۴)

آنرا ترجمه‌ای هم بترکی هست مورخ ۹۳۹ که بچاپ رسیده است . (فهرست تاشکند ۷ : ۵۳

و ۱۱۹ ش ۵۰۴۰ و ۵۱۴۹ شماره نسخه ۳۳۴۴) .

استوری (۱ : ۳۷۳) از نسخه بخارا و لنینگراد یاد نمود و گویا در اروپا نسخه‌ای از آن

نباشد . در ایران هم گمان ندارم که از آن نسخه‌ای بتوان سراغ گرفت .

در این کتاب از بسیاری از مسائل اجتماعی زمان سخن به میان آمده که در کمتر منابع

دیگر بتوان یافت مانند روش جراحی (ص ۶۳۹ - ۶۴۳) و راه و رسم عیاری و کشتی‌گیری و یادی از مفردان قلندر مانند درویش احمد سلّه کشی لنگردار طلب‌کش مفردان خراسان و قلندر مفرد بغدادی و یتیم پسر علم‌دار خراسانی و یتیم حیدر دروازه فیروزآباد (۶۳۳) و پهلوان محمد ابوسعید و دیگران (۶۴۳) همچنین رسوم خوشگذرانی و عیاشی درباریان و دیوانیان آن‌روز که از رهگذر شناخت وضع زندگی مردم آن روزگار بسیار مهم است. گذشته از این‌ها در آن از هنرمندانی چند یاد شده است مانند جلال‌الدین یوسف نقاش که صحیفه‌ای مصور به صورت نوجوانی شهسوار نیزه‌دار بیرشکار که نیزه او بر پیشانی برریان خلیده و رخس او از ترس بیر رمیده بوده است ساخته و در بامداد روز شنبه ۱۷ شوال ۹۲۸ به خرگاه سلطان محمد بهادر گذرانده است (۸۷۶ - ۸۷۸).

نیز مولانا عابد خوشنویس که مقطعات خطوط نودونه نام و خط موجود خطاط و رقمه «نادعلی» به خط اظهر در همین روز آورده بوده است (۸۷۸ - ۸۹۳).

در اینجا سرگذشت یاقوت خوشنویس و برادرش هند و خواجه کماندار تیرانداز که از زرخریدگان مستعصم خلیفه بوده‌اند به‌تذلل از «تاریخ عالم» معین‌الدین مورخ آمد، است (۸۷۹) همچنین از پهلوان حسن‌شاه تیرانداز زمان سلطان حسین میرزا در آن یاد شده است (۸۹۳).

باز در آن آمده که در بامداد روز آدینه محرم ۹۲۹ همان سلطان محمد بهادر در دیوان‌خانه خود بوده و همان یوسف نقاش تصویر «ریش‌الدین ابوالمحاسن قاضی جادک» را به مجلس او آورده بوده است. در اینجا سرگذشت بهزاد آمده است (۸۹۴ - ۹۱۰).

در این کتاب نکته‌های فراوانی درباره موسیقی‌شناسان و خنیاگران و تاریخ موسیقی آن زمان میتوان یافت مانند غیاث‌الدین محمد خراسانی پسر خاله و اصفی که به منطق و معانی و بیان و علوم غریبه و علم موسیقی و شعبه‌اشنا بلکه سرآمد بوده و فتنه‌گری شهر آشوب بشمار می‌آمده است.

همچنین خواجه نصیر خوشنویس که در هفت قلم‌نویسی مانند نداشته است و فریدون حسین میرزا او را کتابدار خود کرده بود و منشور کتابداری او را خود و اصفی انشاء کرده بوده است و متن آن در این کتاب هست^۴ (۱۰۰۷ - ۱۰۱۱).

همچنین در آن از میرک زعفران معشوق سرخک کرباس فروش سرآمد در علم ادوار و زنده در ۸۹۹ (ص ۱۲۲۲) و سور خواننده که غنچک را بسیار خوب می‌نواخته است یاد شده است (۱۳۰۷) نیز از باباحمال عراقی و شتر خواننده و بز ریش‌دراز او (۱۳۰۳) و حافظ بصیر و حافظ میر و حافظ حسن‌علی و حافظ حاجی و حافظ سلطان محمود عیشی و شاه محمد خواننده و سیه‌چنه خواننده و حافظ اوبهی و حافظ تربتی و حافظ چراغ‌دان و سازندگانمانند استاد حسن نایی و استاد قل محمد عودی و استاد سید احمد غنچکی و استاد علی کوچک طناب‌بوری که با گروهی از شاعران و نندیمان و مجلس‌آرایان مانند مولانا بنائی و خواجه اصفی و امیر شیخ سهیلی و سیفی بخاری و کامی و حسن‌شاه و درویش روغنگر مشهدی و مقبللی و شوقی و ذوقی و خلف و نرکسی و هلالی و ریاضی تربتی و ظریفانی مانند میر سربرهنه و برهان گنگ و میرخواند مورخ و معین شیرازی و حسین واعظ و غیاث‌الدین شرفه و محمد بدخشی و خلیل صحاف و محمد خوافی خطاط و جوانان سرآمد خراسان مانند میرک زعفران و شاه محمد میرک و خواجه جان میرک و سلطان سراج و میرزا نطع‌دوز و حسین زردوز و سرو لب جوی و شمشاد سایه‌پرور و طلا خواجه خواننده و یوسف مزار چنگیزی و یوسف ثانی و ماه سمنانی و ساقی و باقی هراتی که در مجلس راسته چهار باغ برزه نیم‌فرسخی هرات از آن امیرعلی شیرنواپی گرد آمده بودند و خواجه مجدالدین محمد و مولانا

عبدالواسع منشی هم در آنجا بوده‌اند (۵۲۳).

در پایان این نکته را یادآور میشوم که اگر ما بخواهیم تاریخ موسیقی علمی را در سرزمین ایران شهر به معنای تاریخی آن از میان رودان تا اورا رود و در قلمرو زبان فارسی تدوین کنیم بایستی به این کارهای تحقیقی بپردازیم.

۱ - فهرست کردن آثار یونانی ترجمه شده بزبان عربی در موسیقی و گردآوری آنها.

۲ - فهرست کردن آثار عربی و فارسی در موسیقی و گردآوری آنها.

۳ - گردآوری اصطلاحات موسیقی در سه زبان فارسی و عربی و یونانی و هندی و مغولی که در آثار اسلامی و ایرانی هست.

۴ - گردآوری نامهای سازها و افزارها و جستجو از ریشه یونانی و فارسی آنها.

۵ - گردآوری نامهای موسیقی شناسان و نوازندگان و خوانندگان و سازندگان و مصنفان و تدوین سرگذشت و سیرت آنها و اثبات اینکه بیشتر آنان ایرانی بوده‌اند.

۶ - برشمردن نام آوازاها و آهنگها و پیدا کردن ریشه ایرانی آنها.

۷ - برشمردن سرودها و ترانه‌ها و تصنیفها.

۸ - گردآوری افسانه‌هایی که در خلال کتابها درباره پیدایش موسیقی گفته شده و جستن ریشه یونانی و ایرانی و اسرائیلی آنها.

۹ - بررسی روش نوشتن آهنگها و نغمات نزد پیشینیان و یافتن کلیدی برای نشان دادن آهنگهایی که گذشتگان داشته‌اند.

۱۰ - سنجش مندرجات کتابهای موسیقی بایکدیگر و روشن ساختن اینکه متأخران تاجه اندازه از متقدمان اقتباس کرده‌اند و ارزش این آثار چیست.

۱۱ - جداساختن روش ریاضی و روش آزمایشی از یکدیگر و اینکه موسیقی دانهای ایرانی و اسلامی تاجه اندازه ازین دو روش پیروی میکرده‌اند.

۱۲ - بررسی این نکته که چرا در آثار موسیقی شناسان اخیر آن اصالت و نظم که در کتابهای کندی و فارابی و ابن سینا و ابن زبیل و قطب شیرازی و آملی و ارموی و مراغی می‌بینیم نیست و علت انحطاط چیست.

۱ - این بند در سرگذشت کمال‌الدین بهزاد از خانم آریان نقل شده است (ص ۷۱ - نیز راهنمای

کتاب ش ۸ و ۹ سال ۱۳۴۱).

۲ - نشان و منشور کتابداری کتابخانه همایونی مورخ ۲۷ ج ۹۲۹/۱ از سلطان حسین میرزای بای‌قرا

برای کمال‌الدین بهزاد در نامه نامی میرخوانده آمده و در دیباچهٔ روضات العنات اسفزاری تهران (۱ : ۲۰ و ۳۰ :

و ۳۲) نقل شده است (نیز کمال‌الدین بهزاد آریان ص ۷۷).